خبر

آخرین خبرها از جشنواره فیلم فجر

چهل‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر، آینه تمام‌نمای تولیدات سینمایی دولت سیزدهم است و می‌توان آن را معیار مناسبی برای سنجش دیدگاه‌های تیم سینمایی دولت محسوب کرد. ازجمله موارد کنجکاوی برانگیز جشنواره هرسال، قیمت بلیت است. طبق آخرین اخبار رسیده، بلیت فیلم‌های جشنواره فجر با قیمت معمول سینماها و بدون تغییر فروخته خواهد شد. بنابر گفته محمدرضا فرجی (مدیر بخش سینماهای مردمی)؛ امسال شاهد تغییری در قیمت بلیت‌ها نخواهیم بود و سینماها با همان سقف قیمت خود بلیت می‌فروشند. به این ترتیب سینماهای مدرن و ممتاز با بلیت‌هایی به قیمت ۴۵ هزار و ۳۵ هزار تومان، فیلم‌های چهل‌ویکمین دوره جشنواره فجر را به مخاطبان عرضه خواهد کرد. درباره زمان پیش‌فروش بلیت‌های جشنواره هم شنیده می‌شود که احتمالا تا نهم بهمن پیش‌فروش بلیت‌ها آغاز خواهد شد. از سوی دیگر قرار است هنرمندان صنوف خانه سینما در سینماهای قدس، سمرقند، پایتخت و سپیده به تماشای آثار این دوره از جشنواره فیلم فجر بنشینند. بلیت‌های این سینماها برای استفاده صنوف در اختیار خانه سینما قرار گرفته تا اعضای صنوف مختلف سینما در این چهار سینما، مخاطب فیلم‌های جشنواره چهل و یکم باشند. ضمن این‌که درصورت آماده شدن خانه هنرمندان این مجموعه نیز در اختیار هنرمندان قرار خواهد گرفت.

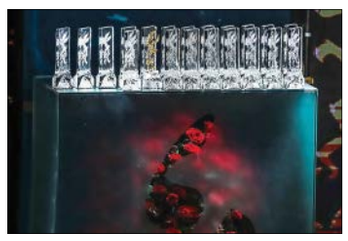

زاویه دید

بررسی جشنواره فیلم فجر از نگاه سینماگران(۱۰)

سینما بالاتر از سیاست

محسن سلیم
کارگردان

جشنواره فیلم فجر طی سال‌ها برگزاری، فرازونشیب‌ها و حواشی گوناگونی را پشت سر گذاشته و کمتر دوره‌ای از آن بوده که بدون حواشی و اخبار جنجالی و فیلم‌های خبرساز به‌پایان رسیده باشد. با تمام این تفاسیر جشنواره فجر ویترین سینمای ایران است اما در بحث سیاست‌گذاری‌ها بخش‌هایی از آن باید تجدیدنظر شود. فلسفه برگزاری هر جشنواره‌ای این است که به هنرمند انگیزه بیشتری دهد و استعدادهای جدید را به جامعه هنری معرفی کند، اما جشنواره فجر سال‌هاست که با هزینه‌ای سنگین صرفا حالتی نمایشی به خود گرفته است.

جایگاه هنر همیشه بالاتر از سیاست است و هنر هرگز دستاویز مقاصد سیاسی نمی‌شود. آنچه امروز تحت عنوان تحریم یا تعطیلی جشنواره توسط بخشی از سینماگران دیده می‌شود یک روند است، نه یک اتفاق. روندی که حاکم بر کل کشور و رویدادهای کشور از جمله جشنواره فیلم فجر است. این روند همان خط‌کشی پنهانی بین اشخاص و آثارشان است. از این جهت می‌گویم خط‌کشی پنهان که هیچ‌وقت این خط‌کشی آشکار نشده و مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی هیچ‌وقت جرات و جسارتی نکردند که صراحتا اعلام کنند جمهوری اسلامی ایران چه موضوعاتی را در سینمای ایران قبول دارد و چه موضوعاتی را ندارد. شاید با این طرز تفکر که اگر روزی این خط‌کشی‌ها را علنی اعلام کنیم بعضی‌ها از سینمای ایران می‌روند و قهر می‌کنند و دیگر کسی را در سینمای‌مان نداریم که بخواهد کارگردانی، بازیگری، تهیه کنندگی و... کنند. در صورتی که استعدادها و ظرفیت‌های خوبی از سینماگران در سطح کشور پراکنده شده‌اند که مورد غفلت قرار گرفته‌اند. لذا این نگرانی، نگرانی به‌جایی نیست. اگر معیارهای پذیرش و نپذیرفتن فیلم‌ها در جشنواره فجر و سینمای ایران به‌طور شفاف اعلام شود مشکلی به‌وجود نمی‌آید. نمی‌دانم شاید سیاست‌گذاران فرهنگی به این دلیل این کار را نمی‌کنند که تعامل سیالی با سینماگران و هنرایجاد کنند. اگر این عدم شفافیت ادامه‌دار شود هر سال به بهانه‌های مختلف شاهد این تحریم‌ها هستیم اما وقتی به وضوح اعلام شود که جشنواره فیلم فجر و سینمای ایران چه فیلم‌هایی را می‌خواهد و چه فیلم‌هایی را نمی‌خواهد دیگر تکلیف همه سینماگران روشن می‌شود. مثلا خیلی راحت سیاست‌گذاران فرهنگی اعلام کنند فیلم‌هایی که در آن رنگ خانواده‌ها، شهر و کشور تلخ و سیاه نشان داده شود یا فیلم‌هایی که در آن مشکلات اغراق‌آمیز نشان داده شود به جشنواره راه پیدا نمی‌کنند. سال گذشته من کل ۲۲ فیلم حاضر در جشنواره را دیدم. مابین فیلم‌ها، فیلمی بود به نام «بی‌مادر» به کارگردانی مرتضی فاطمی. مرتضی فاطمی از فیلمسازان خوب و مومن کشور ماست اما مگر چند درصد خانواده‌های ایرانی با چالش‌های حقوقی و اجتماعی رحم اجاره‌ای مواجه هستند که این موضوع دستمایه یک فیلم بلند داستانی شده و پس از آن به تولید و اکران رسیده؟ در صورتی که همان سال گذشته فیلم‌هایی از اکران در جشنواره فیلم فجر باز ماندند که قطعا موضوعاتی مهم‌تر و فراگیرتر داشتند. جشنواره فیلم فجر باید نگاه پدرانه‌ای به تمام سینماگران داشته باشد. این‌که تو اگر فلان ویژگی‌ها را داشته باشی از ما هستی و اگر نداشته باشی از ما نیستی باید حذف شود که اگر این اتفاق بیفتد اتفاقات زیبایی در سینمای ایران برای تمام مردم رقم می‌خورد. جشنواره فیلم فجر با مشارکت تمام سینماگران کشور به چهل‌ویکمین دوره خود رسیده، بنابراین این جشنواره رویدادی متعلق به همه هنرمندان کشور است.

گفت‌وگو با مهدی علی میرزایی، کارگردان

«پالتو شتری» رقیب ندارد

در سینمای ایران کمتر کارگردانی است که مثل مهدی علی میرزایی برای بهتر شدن، پله‌ها را آرام آرام طی کرده باشد. حالا این‌که «پالتو شتری» تمام توقع‌مان از مهدی علی میرزایی نیست، بحث دیگری است. پالتو شتری، بدون شک نمی‌تواند چشم‌انداز روشنی در گیشه داشته باشد، اما علی میرزایی کارش را بلد است و به همین علت این فیلم یکی از بی‌حاشیه‌ترین پروژه‌های سینمایی در سال‌های اخیر است. او در این اثر بیشتر از بازیگران شناخته شده استفاده کرده و کوشیده تا در فضایی واقع‌گرایانه داستان یک دانشجوی فلسفه را روایت کند که یک پالتوی شتری رنگ از پدرش به ارث برده اما این پالتو برای او دردسرساز شده چون هر وقت آن را می‌پوشد فکرهای وسوسه‌آمیزی به سرش می‌زند. به‌بهانه اکران عمومی این فیلم پای صحبت مهدی علی میرزایی نشستیم که حاصل این گفت‌وگو در ادامه می‌آید.

ساناز قنبری
گروه فرهنگ و هنر

شما سال‌ها در عرصه فیلمنامه‌نویسی سینما حضور داشتید، چطور شد که از فیلمنامه‌نویسی به کارگردانی عبور کردید؟

با وجود این که سینما رشته تخصصی محسوب می‌شود و هرکسی باید در رشته تخصصی خودش به کارگرفته شود اما الان تقریبا این تغییر نقش‌ها یا به‌اصطلاح شما عبورها در همه جا دیده می‌شود. بارها دیده‌ایم فیلمبردارها، بازیگران، تدوین‌گرها، گریمورها و در بعضی موارد بچه‌های تولید و تدارکات به‌دلایل مختلف سمت کارگردانی رفته‌اند. ظاهرا منعی هم نیست، چون ظاهرا جور کردن سرمایه و توانایی اقناع دیگران از مهم‌ترین گام‌های نشستن روی صندلی کارگردانی است. در این بین ممکن است مهارت‌های فنی-هنری هم باشد یا نباشد. این رویه در دنیا هم متداول است. دیوید ممت، آلن سورکین، استیون نایت و طیفی از نویسندگانی که مدت‌ها فیلمنامه و نمایشنامه می‌نوشتند و خیلی هم موفق بودند الان وارد کارگردانی شده‌اند. در مورد فیلمنامه‌نویس‌ها این مسأله کاملا به‌لحاظ فنی قابل توجیه هست. دو،سه عامل مهم در کارگردانی فیلم وجود دارد که در روی میز فیلمنامه‌نویس حرف اول را می‌زند. چیزهایی مثل تجسم جهان اثر، درک روایت، ریتم، شناختن بیت‌ها یا ضربان‌های نمایشی متن. فیلمنامه نویس تقریبا به همه اینها به اندازه کارگردان و حتی شاید بیشتر از او مسلط است. باقی کار برمی‌گردد به این‌که آیا او به لحاظ طبیعت و حال و هوای روحی حوصله سر و کله زدن با عوامل در سرصحنه و مهارت‌های مدیریت جمعی و از همه مهم‌تر انگیزه و توان اقناع دیگران را دارد یا نه. البته در مورد من قضیه این طوری بود که در دانشگاه سینما تئاتر ابتدا کارگردانی خواندم و رشته اصلی‌ام کارگردانی بود و بعد تا وقتی شرایط و سرمایه جور شد برای دیگران متن نوشتم تا این‌که رسیدم به پالتو شتری که شرایط برای کارگردانی فراهم شد.

کلا به فیلمنامه‌نویسی بیشتر علاقه دارید یا کارگردانی؟

هر دو. همه چیز به شرایط بستگی دارد. گاهی دوست داری اطرافت کمی خلوت شود پس می‌روی سمت نوشتن و گاهی دلت برای بودن در جمع و شلوغی و استرس تولید تنگ می‌شود و می‌روی سمت تولید. با این حال این‌طور هم نیست که همه چیز به انتخاب خود آدم باشد. خصوصا در شرایط شکننده‌ای که امروز برای سینما پیش آمده اما در کل بعضی از متن‌ها اگر بالای سر آن نباشی، ظرایفش از دست می‌رود. در چنین مواردی ترجیح می‌دهم که خودم کارگردانی کنم.

در نگارش فیلمنامه‌های «گشت ارشاد» و «در مدت معلوم» هم علاقه‌تان به کمدی مشهود بود. علاقه‌ای که به کارگردانی‌تان هم تسری پیدا کرد. این توجه و علاقه به حوزه کمدی از کجا می‌آید؟

برخی معتقدند دو رویکرد کلی به زندگی هست؛ رویکرد کمیک مقابل رویکرد تراژیک. خرد شاد در برابر خرد عبوس. در رویکرد کمیک زندگی را نباید سخت گرفت، هیچ چیزی آن‌قدر ارزش ندارد که به نظر می‌آید و همه چیز قابل تغییر دادن است. در رویکرد تراژیک اما همه چیز جدی است. زندگی امری محتوم و سرنوشتی غالب است و چیزی قابل تغییر نیست. برخی متفکران در تفاوت این دو رویکرد از منظر روان‌شناختی تا ۲۰ مورد را ذکر کرده‌اند. دو شخصیت اصلی فیلم پالتو شتری هم تقریبا همین دو تیپ هستند. سام درخشانی شاد در برابر بانیپال جدی و انعطاف ناپذیر. فکرکنم خودم جایی بین این دو گیر کرده‌ام. موضوعات و مسائل فیلم‌ها و موقعیت‌ها جدی است اما وقتی به عظمت مسائل مهم‌تر فکر می‌کنی جدیت آنها رخ می‌بازد و به دست و پازدن‌های انسانی کمیک تبدیل می‌شود. مثلا در فیلم «در مدت معلوم» شعار فیلم این جمله بود «چیزی که از گفتنش شرم داری، بی‌شرمانه بر تو می‌تازد!» له شدن روح بی‌انتهای انسانی زیر یک غریزه دردناک و شرم داشتن از بیان و به رسمت شناختن آن امری خنده‌دار است یا در پالتو شتری لگدپراکنی‌های شخصیت و عوضی بازی‌های او، دردناک و اعصاب خردکن است اما همزمان بازی خوردن او از توهماتش یا دیدن هسته اصلی و مبتذل این رفتارهای دردناک، خنده‌دار است. به قول یکی از رمان‌نویس‌ها، داستان‌نویس کسی است که صدای خنده فرشتگان را شنیده است.

سوژه و داستان فیلم پالتو شتری را چطور انتخاب کردید و فیلمنامه چطور شکل گرفت؟

پالتو شتری براساس داستانی از خود که در مجله همشهری داستان چاپ شد، اقتباس شده. نام آن داستان شیخ اشراق و دیرشدگی ازدواج کیانا بود. با این‌که سه صفحه بیشتر نبود اما دنیای یک فیلم کامل سینمایی را در خود داشت.

درباره شخصیت اصلی با بازی سام درخشانی این سؤال پیش می‌آید چرا کسی که به‌دلیل نداشتن مدرک تحصیلی و عدم ورود به دانشگاه همیشه از سوی دوستش تحقیر می‌شود به دختر یکی از بستگانش در مقطع ارشد تاریخ تدریس خصوصی می‌کند؟

خوب، این مسأله پیچیده و دور از ذهن نیست. من و یکی از دوستان صمیمی‌ام در زمان بی‌پولی دانشجویی برای یک موسسه کنکور که در تهران و شهرستان کلاس کنکور برگزار می‌کرد فیلم تبلیغاتی ساختیم. من آنجا به یکی دو تا از این استادهای بامزه و رند برخوردم که خودشون رنگ دانشگاه را ندیده بودند. آنها معتقد بودند بیزینس کنکور ربطی به دانش و علم و کمال ندارد و درآمدش بیشتر است و دانشگاه رفتن ارزش وقت‌گذاشتن ندارد. می‌گفتند کنکور فرمول‌های خاصی دارد که اگر به آن تسلط پیدا کنی می‌توانی به‌راحتی در آن قبول شوی. با این‌که دیپلم بودند وقت‌شان را گذاشته بودند روی فرمول‌های تست‌زدن و کشف الگوهای طراحی سؤال‌ها و این چیزها. شخصیت فرید در پالتوشتری هم چنین آدمی است. با این‌حال یک پله بالاتر هم رفته و مستمع‌آزاد در کلاس‌های دانشگاه شرکت می‌کند.

کنش‌ها و واکنش‌های کاراکتر فرید و حتی دیگر کاراکترهای فیلم چرا این‌قدر به سوژه تحلیل‌های روان‌شناسی و فلسفی بدل شده‌اند؟

تقریبا پیرنگ داستان به نوعی همین جست‌وجوی روانکاوانه است. فرید می‌خواهد بلایی عبرت‌آموز سر دوست موذی‌اش بیاورد و استراتژی‌اش روانکاوی اوست. به قول شاهرخ فروتنیان می‌خواهد برود و روح او را هم بزند و برود در عمق وجود او و راه ورود به قلعه را پیدا کند.

فیلم پالتوشتری با یک داستان محوری و چند خرده‌داستان پیش می‌رود، این خرده‌روایت‌ها در جریان فیلم چقدر ضرورت داشت؟

خیلی زیاد. داستان از زمان حال شروع می‌شود و برای توضیح پازل شخصیت‌ها به زمان گذشته نزدیک می‌رود، به زمان گذشته دورتر می‌رود، باز به زمان حاضر برمی‌گردد و حتی در توهم‌ها و رویاهای شخصیت‌ها و یا به توضیحات علمی و شبه‌علمی فرید درباره نیچه می‌پردازد. اینها فرم سیال و به‌کارگرفته‌شده‌ای است که در فیلم‌های روایی دنیا هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم این است که انتقال‌های زمانی یا فضایی نرم و حساب‌شده و براساس ریتم درست باشد تا تماشاگر خودش را به دست جریان هیپنوتیزم‌کننده فیلم بسپارد.

برای فیلم بعدی‌تان چه تصمیمی دارید؟ آیا بازهم سراغ کمدی می‌روید؟

بله، یک فیلمنامه کمدی دارم به‌نام «عروس‌روسی». ما دو سال پیش پروانه ساخت آن را گرفتیم که به‌دلیل کرونا متوقف ماند و الان در حال جذب سرمایه‌گذار هستیم. موضوع آن در ادامه فیلم «در مدت معلوم» است و حالا که فضای اجتماعی صریح‌تر و بی‌پرده‌تر شده و بر همگان عیان شده نادیده‌گرفتن نیازهای اولیه جوانان به‌خصوص نیازهای غریزی‌شان چه پیامدهای اجتماعی سیاسی می‌تواند داشته باشد راحت‌تر می‌توانیم این فیلم را بسازیم.

برش

بازخورد «پالتو شتری» در گیشه

با این‌که فیلم تازه اکران شده بازخوردها خیلی خوب است. من قبلا در یک سئانس شلوغ که تمام سینمافلسطین پر بود با مردم فیلم را دیده‌ام و متوجه شدم فیلم کار می‌کند و به‌رغم نگرانی من بابت برخی جاها که اصطلاحا فیلم دارد تحلیل‌های روان‌شناسی فلسفی می‌دهد، تماشاگر کاملا غرق داستان است و تا پایان از آن لذت می‌برد. این فیلمی است که با تبلیغات شفاهی جای خودش را باز می‌کند. به‌خصوص فکر کنم بین دانشجوها یا آدم‌های فرهنگی نفوذ بیشتری پیدا کند. فضای جامعه الان جوری شده که کمدی سبک و سطحی راضی‌اش نمی‌کند. نه این‌که لذت نبرد یا نخندد ولی باز یک چیز متفاوت می‌خواهد. هم می‌خواهد بخندد و هم تحمل ندارد کسی به او بگوید تو واقعا به این چیزهای سطحی می‌خندی؟! به خاطر همین حتی به نظر می‌رسد دو سه کمدی روی پرده رقیبی برای طعمی که پالتوشتری دارد نیستند بلکه در گرم‌کردن اکران پالتوشتری هم موثرند. حتی اگر تماشاگر فیلم‌های کمدی دیگر را برود کنجکاو است بداند در پالتوشتری چه خبر است و چه چیزی آن را از سایر کمدی‌ها متفاوت کرده است.

قاب

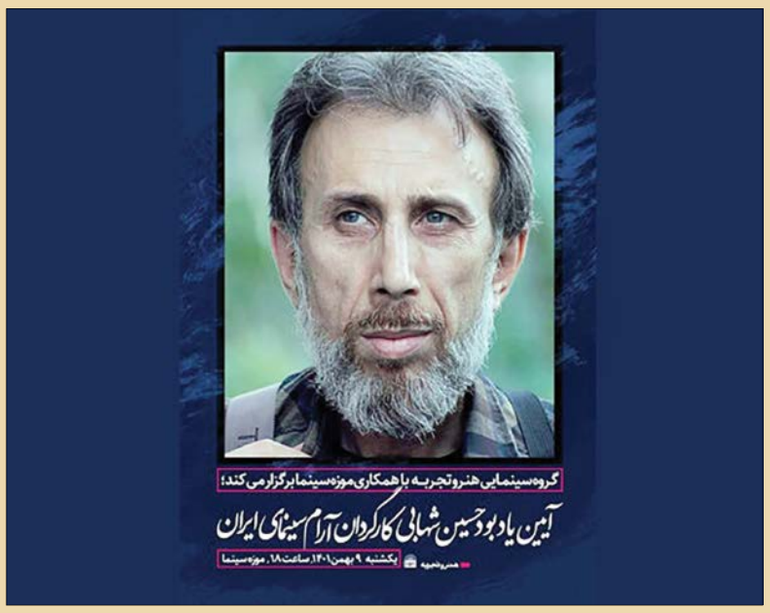

برگزاری مراسم یادبود زنده‌یاد حسین شهابی

امروز مراسم یادبود زنده یاد حسین شهابی، کارگردان فقید سینمای ایران از ساعت ۱۸ در سالن سینماتوگراف موزه سینما برگزار می‌شود. در این مراسم جمعی از دوستان، همکاران و شاگردان حسین شهابی حضور می‌یابند و درباره ویژگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای او سخنرانی می‌کنند.

سیدحسین شهابی، نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان سینما و تلویزیون، کارگردان مستقل سینما بود و کارگردانی آثاری همچون «آزاد به قید شرط»، «سایه‌ها»، «حراج»، «روز روشن» و «به خاطر مهدی» را در کارنامه دارد. حضور در این مراسم برای علاقه‌مندان آزاد و رایگان است.

رویداد

آغاز بلیت‌فروشی جشنواره فیلم فجر از ۱۰ بهمن

طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در کمیته امور نمایش جشنواره فیلم فجر، فروش بلیت آثار چهل‌ویکمین جشنواره فیلم فجر برای عموم مردم از ساعت ۱۰ روز دوشنبه دهم بهمن ۱۴۰۱ آغاز خواهد شد. طبق سنوات گذشته، فروش بلیت فیلم‌های جشنواره به‌صورت برخط و از طریق سامانه‌های آی‌تیکت (iticket.ir) ایران‌تیک (irantic.com) و گیشه‌هفت (ir.gisheh۷) خواهد بود. امکان خرید بلیت فیلم‌های جشنواره برای هر شماره تلفن همراه در هر سامانه فروش بلیت، تعداد چهار قطعه بلیت از هر فیلم خواهد بود؛ البته لازم به یادآوری است بلیت‌های خریداری شده امکان ابطال یا تعویض ندارد، بنابراین تماشاگران باید با دقت نظر کافی در زمان خرید بلیت به انتخاب سینما، سالن و سئانس نمایش اقدام کنند. به‌منظور سهولت در خرید و امکان خدمات‌دهی مطلوب به تماشاگران، مرکز تماس سامانه‌های فروش بلیت (مندرج در سامانه‌ها)، روزانه از ساعت ۹ تا ۲۳ پاسخگوی تماس‌های تلفنی مخاطبان خواهند بود. بدیهی است، زمان فروش بلیت فیلم‌های جشنواره در استان‌ها، به‌زودی اطلاع‌رسانی خواهد شد و زمان‌بندی بلیت‌فروشی آثار بخش بین‌الملل جشنواره متعاقبا اعلام می‌شود.

درنگ

درخشش فیلمسازان اصفهانی در جشنواره منطقه‌ای یزد

مدیر انجمن سینمای جوانان استان اصفهان از درخشش فیلمسازان اصفهان در شصت‌وپنجمین جشنواره منطقه‌ای سینمای جوان یزد ایساتیس خبر داد.

سیدمحمد طباطبایی ضمن اعلام این خبر با اشاره به برگزاری جشنواره منطقه‌ای ایساتیس، اظهار کرد: در آیین اختتامیه شصت‌وپنجمین جشنواره فیلم ایساتیس که روز گذشته (۷ بهمن‌ماه) در سالن شهید آوینی شهرداری یزد برگزار شد، استان اصفهان دارای بیشترین نامزدهای برتر در بخش‌های مختلف شد و اکثر جوایز نیز به فیلمسازان اصفهانی رسید. او با بیان این‌که جشنواره ایساتیس، جشنواره‌ای منطقه‌ای است که با حضور ۱۱ استان از سراسر کشور برگزار شده، ادامه داد: در این جشنواره، جایزه بهترین فیلم به فیلم «کرمچاله» به کارگردانی احسان طالقانی رسید که تهیه‌کنندگی آن را شهرداری اصفهان و احسان طالقانی برعهده داشتند. این فیلم توانست با حمایت شهرداری اصفهان، افتخارآفرین باشد. / ایسنا